



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۰۲

جليل غنی هروی

## بن بست ها در مسیر صلح

بیش از ده ماه می شود که ایالات متحده با جدیت برای امضای یک موافقتنامه صلح با طالبان مشغول مذاکره است و زلمی خلیلزاد پیش برنده این مذاکرات به حیث نماینده خاص حکومت امریکا در یک ماموریت رفت و برگشت به منطقه و سایر کشور ها و مذاکره با طالبان، افغانستان، کشور های منطقه، همسایه گان دور و نزدیک و پیمان ناتو و شخصیت های مطرح داخلی و خارجی مذاکراتی انجام داده است.

در سفر دو روز قبل خود به کابل، بعد از مذاکرات اخیر با طالبان، به اسلام آباد رفت و با مربیون طالبان هم قبل از سفر به کابل مذاکراتی داشت که دران قریشی وزیر خارجه پاکستان بعداً گفت امریکا نباید این فرصت صلح را از دست بدهد. به این معنی که امریکا نباید خواسته های پاکستان را برای توافق با طالبان نا دیده بگیرد و طالبان هم بعد از هر پیشنهاد امریکا در این مذاکرات، به قبله موعود شان اسلام آباد می روند و از به اصطلاح رهبران شان (در واقعیت از مامورین آی اس آی) هدایت میگیرند.

خلیلزاد در مذاکرات دو روز قبل خود با اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان گفت در مذاکرات با طالبان پیشرفت قابل ملاحظه صورت نگرفته است (بیانیه مطبوعاتی ارگ) در حالیکه دفتر حامد کرزی و دفتر ریاست اجراییه می گوید که در باره پیشرفت مذاکرات اظهار خوشبینی شده است.

معضله افغانستان از همان آغاز بحران و بی ثباتی سیاسی که منشأ آن کودتای حزب دموکراتیک خلق بود، گر

چه بعضی ها آغاز آنرا کودتای محمد داود خان می گویند که ثبات سیاسی افغانستان را با سقوط دادن نظام شاهی بر هم زد، راه را برای مداخلات کشور های منطقه، همسایگان دور تر و تعدادی از کشور های جهان که منافع خود را درین منطقه در خطر احساس می کردند، باز نمود افغانستان به قول علامه اقبال لاهوری "قلب آسیاست" زیرا با شش کشور این منطقه هم سرحد است که همین موقعیت، افغانستان را در چهارراه مدنیت ها و بر خورد ها در سده های گذشته قرار داده که از چنین موقعیتی هم بهره مند شده است و هم متضرر.

طول سرحدات افغانستان با شش کشور همسایه چنین است:

چین ۹۱ کیلو متر، ایران ۹۲۱ کیلو متر، پاکستان ۲۴۳۰ کیلو متر، تاجکستان ۱۳۵۷ کیلو متر، ترکمنستان ۸۰۴ کیلو متر و ازبکستان ۱۴۴ کیلو متر. (Wikipedia)

ساحه افغانستان ۶۵۲,۲۳۰ کیلو مربع و نفوس آن به شمول مهاجرین در بیرون از افغانستان نزدیک به سی و یک میلیون تخمین میشود.

### منافع همسایگان و سایر کشور ها در افغانستان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

آنچه که علاقمندی کشور های همسایه و سایر دول را، چه در منطقه و چه در جهان، به افغانستان توجیه کرده میتواند منافع و در عین زمان نگرانی های است که این کشورهای دور و نزدیک در افغانستان دارند که می توان آنها منافع مشترک و نگرانی های مشترک نامید، البته باید منافع و نگرانی های مشروع و غیر مشروع مطابق به مقررات و موازین بین المللی و حقوق بین الدول تعریف گردد و تفاوتی بین آنها قایل شد .

### نفوذ سیاسی و راه های ترانزیت و پروژه های انکشافی:

موقعیت افغانستان این کشور را در تاریخ پر فراز و نشیب آن گاهی به حیث «دروازه هند» زمانی به نام «منطقه حایل بین قدرت های بزرگ در قرن نهم» و گاهی هم به حیث «میدان رقابت های دو ابر قدرت امریکا و روسیه در قرن بیستم در اوج جنگ سرد بین امریکا و چین» ( کودتای حزب دموکراتیک خلق و تهاجم قوای شوروی وقت بر افغانستان در ۱۹۷۹ ) قرار داده و در طول تاریخ خود این ملت بلا دیده و آزادی خواه قربانی امیال و جهان گشایان و منفعت جویان سیاسی و اقتصادی و متجاوزین راست و چپ قرار گرفته است. این رقابت های سیاسی تا همین کنون با انواع و اشکال گوناگون ادامه داشته و افغانستان میدان رقابت های کشور های منطقه به خصوص در چهل و پنج سال اخیر توسط عمال و گروه های در ارتباط با قدرت های بزرگ جهانی و منطقوی و حمایت از چنین گروه ها، در یک جنگ نیابتی برای اعمال نفوذ سیاسی و منافع اقتصادی قرار داشته است.

افغانستان یکی از شاهراه های عمده ای ترانزیتی بین جنوب آسیا و آسیای میانه است و بنا بران کشور های منطقه و فرا منطقوی منافع و نگرانی های ستراتیژیک و اقتصادی بزرگتری در افغانستان دارند، حضور و نفوذ سیاسی و مقابله با رقبیان سیاسی منطقوی و انتقال امتعه تجارتي و صادرات و واردات این کشورها از طریق افغانستان را می توان از عمده ترین منافع کشور های منطقه و جهان در افغانستان شمرد. بعد از سقوط اتحاد شوروی سابق، جمهوریت های آسیای میانه با منابع سرشار طبیعی، مخصوصاً انرژی اعم از برق و گاز و نفت، هم به دسترسی به بازارهای جدید نیاز دارند و هم منطقه و جهان به منابع انرژی و سایر امتعه تولیدی این جمهوریت ها نیاز دارد. به گونه مثال موافقتنامه پروژه

(CASA-۱۰۰۰) Central Asia South Asia electricity transmission project که برق تاجکستان، ازبکستان و قرغزستان و ترکمنستان را از طریق افغانستان به پاکستان انتقال میدهد. افغانستان سالانه چهل و پنج ملیون دالر حق العبور برای انتقال انرژی به پاکستان اخذ میکند. اکنون این جمهوریت ها که اقتصاد متکی به بازار آزاد را پایه گذاری میکنند و در صدد جلب سرمایه گذاری های خارجی هستند، نزدیکی راه های ترانزیتی برای شرکت های ملی و بین المللی یکی از اولویت های این کشور ها میباشد و افغانستان است که ظرفیت دسترسی آنها را به بازارهای خارج، هم برای صادرات و هم برای واردات آنها، دارد. تکمیل شاهراه حلقوی افغانستان، تمدید خط آهن بین ایران و افغانستان، ترکمنستان و افغانستان، ازبکستان و افغانستان و تاجکستان و افغانستان، توافق ایران و افغانستان به استفاده از تسهیلات بندر چاه بهار ایران و تکمیل راه های اتصال به ایران از اسلام قلعه در سرحد ایران تا هرات و شاهراه قندهار – هرات از طریق نیمروز و فراه، از جمله منافع کشور های منطقه و جهان است که با منافع افغانستان گره خورده است و باعث انکشاف تجارت منطقه و جهان میگردد. همچنان آغاز کار پایپ لاین گاز از ترکمنستان به پاکستان و هند، تکمیل بند برق سلما در هرات و آغاز بهره برداری از آن، امضای موافقتنامه ها و تفاهم نامه های دیگر برای تقویه بند کجکی و اعمار ۲۲ بند آب گردان و تولید برق به پیمانهای کوچکتر در تقریباً بیست و نه ولایت افغانستان و ده ها پروژه عام المنفعه دیگر، از اقداماتی است که دولت افغانستان روی دست گرفته است که زمینه رشد و امید واری به یک اقتصاد نیرومند و خود کفا را در این کشور میدهد .

احیای راه ابریشم یکی دیگر از پروژه های جهانی است که باز هم افغانستان دران نقش کلیدی دارد و کشور های مختلف جهان را از طریق تجارت به هم مرتبط میسازد و منافع این کشور با منافع جهان باز هم گره خورده است.

### منابع طبیعی:

البته منابع سر شار طبیعی و دست نخورده افغانستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی جهان و منطقه به افغانستان است و بر اساس ارزیابی های که از طرف وزارت معادن افغانستان به عمل آمده، افغانستان دارای چهارصد و پنجاه معدن به شمول منابع انرژی و سنگ های قیمتی و منرال است که فقط استخراج و بهره برداری از تعداد بسیار معدودی از این منابع یا آغاز شده و یا هم برای بهره برداری تحت مطالعه گرفته شده است .

سر مایه گذاری درین منابع یکی دیگر از علاقمندی های کشور های منطقه و جهان است چون افغانستان به تنهایی توان سرمایه گذاری در برخی از این منابع مثل نفت و گاز و بعضی منابع دیگر طبیعی را ندارد و سرمایه های هنگفت را ایجاب میکند، سهم شرکت های بین المللی درین بخش حتمی به نظر میرسد که در آن هم منافع افغانستان و هم منافع مشروع شرکت های خارجی بر آورده شده میتواند. منابع آبی روی زمین و مهار نمودن آبهای زیر زمین و استفاده مشترک از این منابع بین افغانستان و کشور های همجوار هم دلیل علاقمندی کشور های همسایه است هم دلیل مداخلات برای وارد کردن فشار بر افغانستان به منظور قبولاندن خواسته های نا مشروع همسایگان مخصوصاً ایران و پاکستان است و هم برای تأمین منافی که طبق قوانین بین المللی بین کشورهای همجوار در مورد استفاده مشترک از منابع، تحت مقررات خاص وضع گردیده است، که از آن جمله میتوان استفاده مشترک از آب های دریا های هلمند، هریرود، فراه رود با ایران، دریای کنر، دریای کابل با پاکستان، دریای آمو با تاجکستان و چند منبع دیگر به حیث مثال نام برد. گرچه در بعضی موارد مثل دریای هلمند و بند کجکی موافقتنامه بین افغانستان و ایران در زمان سلطنت و حکومت محمد موسی شفیق در سال ۱۹۷۳ امضا شده ولی با آن هم ایران هیچ گاهی این موافقتنامه را رعایت نکرده است.

### **بافت اجتماعی افغانستان:**

بافت اجتماعی افغانستان یکی دیگر از عواملی است که کشور های همسایه افغانستان خود را حق میدهند در آن دخیل بدانند. جامعه ای افغانی متشکل از اقوام، قبایل، نژادها و زبانهای است که اقوام و ملیت های مشابه در کشور های همسایه افغانستان هم وجود دارد و تقسیمات جغرافیائی دو قدرت بزرگ جهانی در قرن نهم یعنی انگلیس و روس و یا هم فتوحات کشور گشایان دیگر، قبل و بعد از آن، موجب آن گردید که اکثر اقوام و قبایل و ملیت های دارای فرهنگ و تاریخ مشترک با خط کشی های سرحدی از هم جدا شوند. این گونه تقسیمات و خط کشی ها تنها منحصر به افغانستان نیست و می توان تقسیم کشمیر به دو قسمت بین هند و پاکستان، تقسیم کرد ها بین ایران، عراق، سوریه و ترکیه و قلمرو فلسطین را از تقسیمات دیگر در سایر مناطق نیز نام برد. همین علایق تاریخی قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی و حتی ارتباط های خانوادگی است که از یک جانب موجب نزدیکی بین کشورهای با تشابهات و تعلقات تاریخی میگردد و از جانب دیگر بزرگترین معضلات منطقی را موجب می شود. در بسیاری اوقات این گذشته های مشترک باعث آن گردیده که برتری جویان منطقی حتی افتخارات تاریخی مربوط به افغانستان را از خود بدانند و درین خواسته ها تا سرحد امیال شئونیتی عظمت طلبانه پیش بروند، ایران نمونه بارز این روش نا پسند است، و بدین ترتیب میتوان این عامل را نیز یکی از منافع کشورهای منطقه، البته به زعم خود آنها، بر شمرد. این ها فقط چند مثال متباز از منافع مشترک افغانستان و منطقه و جهان است.

### **نگرانی های مشترک:**

امنیت، عمده ترین نگرانی مشروع مشترک افغانستان، منطقه و جهان است که منشأ همه مشکلات و معضلات دیگر مثل ثبات سیاسی و اقتصادی است.

تحولاتی که تقریباً از چهل و پنج سال به اینطرف در افغانستان با کودتای سردار محمد داود خان در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ مطابق ۷۱ جولای ۱۹۷۳ میلادی آغاز یافت و تا کنون ادامه دارد، افغانستان را از یک کشور عقب مانده اقتصادی ولی با ثبات سیاسی، بیرون کشید و مورد توجه منطقه و جهان قرار داد. مخصوصاً با کودتای حزب دموکرات خلق در ثور ۷۱۳۵ مطابق ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ میلادی و روی کار شدن رژیم کمونیستی و متعاقب آن تهاجم قشون سرخ شوروی سابق بر افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹ میلادی و قیام مردم افغانستان به تعقیب آن، دیگر افغانستان از نظر جامعه بین المللی بدور نبود و هر سال در مجمع عمومی ملل متحد به حیث یکی از آجندای مورد بحث این مجمع قرار میگرفت و اعلامیه های هم در تقاضا برای خروج تمام قوت های خارجی از افغانستان صادر میشد.

### **منطقی شدن مشکل افغانستان:**

مشکل افغانستان از همان مراحل اول این تحولات شکل یک معضله منطقی و جهانی را به خود اختیار کرد و در سطح منطقه بیشترین توجه به پاکستان و ایران بود که در حدود پنج میلیون افغان به این کشورها مهاجر شدند و پاکستان بیشترین منفعت را از قیام مردم افغانستان با پناه دادن به سه میلیون مهاجر افغان، تشکیل گروه های

اسلامی مقاومت به نام تنظیم های جهادی و جلب حمایت غرب و جهان عرب از این تنظیم ها، بدست آورد که بحثی جداگانه است. ولی همین روش پاکستان و اعلام پالیسی که جنرال ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان آنرا «نظام مصطفی» نامید و در حقیقت «عمق ستراتیژیک» پاکستان هم خوانده شده است، یکی از عمده ترین عوامل بی امنیتی های منطقی مخصوصاً در افغانستان گردید.

### تشکیل گروه های دهشت افکن:

عمده ترین نگرانی مشروع افغانستان، منطقه و جهان گروه های دهشت افکن هستند. نا امنی در افغانستان از بیش از چهار دهه به اینطرف بیداد میکند. ولی به مرور زمان این نا امنی ها به ما و رای سرحدات افغانستان و جهان هم سرایت کرده و باعث نگرانی این کشور ها و جهان گردیده است. جنبش های اسلامی در آسیای میانه و در چین با ترغیب شدن از پیروزی تنظیم های اسلامی در دوران جهاد بر قوای اتحاد شوروی سابق و سقوط دادن حکومت کمونیستی، اقدام به ایجاد و منظم ساختن بیشتر گروه های اسلامی و جنبش های شدند که در گذشته یا شناخته نشده بودند و یا هم وجود نداشتند.

سرایت این جنبش ها و حرکات به محدوده منطقه که افغانستان قرار دارد، منحصر نماند بلکه آنانی که از سایر کشورها چه در آسیا و چه در آفریقا و یا هم در غرب به حمایت از مقاومت مردم افغانستان فرستاده شده بودند، در برگشت به وطن های شان به تشکیل سازمان های افراطی و تند رو دست یازیدند و تحقیقات نشان داده که اکثریت رهبران این گروه ها کسانی هستند که در مقاومت مردم افغانستان اشتراک کردند و تجاری از آنجا آموختند.

این حرکات و جنبش ها و مرکزیت این همه آموزش و پرورش دهشت افکن و تبدیل شدن مناطق سرحدی پاکستان به حیث مراکز تمرکز، تربیه و تعلیم آنها، و مبدل شدن افغانستان به حیث میدان تمرین دهشت افکنان، عمده ترین و موجه ترین نگرانی های افغانستان و جهان است که هم منافع افغانستان و هم نگرانی های افغانستان را با منافع و نگرانی های جهان گره میزند. ضرورتی نیست تا از تلفات جانی و خسارات مالی که افغانستان و جهان در اثر این بی امنیتی ها و اعمال دهشت افکنی می بیند، یاد آوری شود. ولی برای روشن شدن مطلب فقط اشاراتی مختصر به بعضی از جنبش های اسلامی در منطقه و کشور های که این گروه ها فعالیت دارند، و یا هم مجامع بین المللی آنها را به حیث سازمانهای دهشت افکن می شناسند، بسنده میکنیم. گسترش این فعالیت ها به کشور های همجوار افغانستان و دور تر از آن حتی به سایر مناطق جهان مایه نگرانی عمده جامعه ملل است.

**الف:** جنبش اسلامی تاجکستان یکی از مؤلفین القاعده که مؤسس آن طاهر یلداشیف در ۱۶ اگست ۲۰۱۰ در یک حمله طیاره های بدون پیلوت امریکا بر شهرک کانیکورم در وزیرستان جنوبی، که پایگاه عمده ملا نظیر رهبر طالبان بود، همراه با هشت طالب دیگر و از یک کشته شد. وی همچنان رهبری جنبش اسلامی ازبکستان، یکی دیگر از مؤلفین القاعده را بدوش داشت، که در سال ۱۹۹۱ با همکاری جمعه نمنگانی یک عسکر سابقه روسیه که در افغانستان جنگیده بود، آنرا تأسیس نمود. هر دوی آنها از تبار ازبک و از وادی فرغانه بودند. هدف این جنبش سقوط دادن حکومت اسلام کریموف در ازبکستان و تأسیس شریعت اسلامی بود. آنها از پایگاهی در تاجکستان و از شمال افغانستان که تحت اداره طالبان بود، فعالیت داشتند.

**ب:** جنبش اسلامی ازبکستان در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ چندین حمله را بر قرغزستان نیز انجام داد ولی در سال ۲۰۰۱ که در پهلوی طالبان علیه قوای ائتلاف در افغانستان می جنگید مضمحل شد. جمعه نمنگانی هم کشته شد. با وصف ادعا های یلداشیف و این شایعات که جنبش اسلامی ازبکستان زیر نام جنبش اسلامی ترکستان ظهور مجدد کرده و از مناطق سرحدی پاکستان نزدیک چین در آسیای میانه فعالیت دارد، شواهد کافی وجود نداشت که آنرا ثابت سازد ولی آژانس خبر رسانی سینهوای چین از قول عثمان غازی رهبر این جنبش گزارش داد که این جنبش در حمله بر میدان هوایی بین المللی کراچی در سال ۲۰۱۴ دست داشته است.

**ج:** جنبش اسلامی ترکستان شرقی که به نام حزب اسلامی ترکستان و همچنان جنبش اسلامی ترکستان هم معروف است، سازمان جدائی طلبی است که از طرف تند روان اویغور در غرب چین تمویل میگردد. هدف این سازمان استقلال ترکستان شرقی از چین است. چین مدعی است که این یک سازمان جدائی طلب و مسؤل حملات دهشت افکنی در سینکیانگ چین است.

## **بی ثباتی منطقه:**

با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم، بی ثباتی و بی امنیتی در افغانستان نه تنها بی امنیتی در منطقه را بیشتر میسازد و موجب بی ثباتی های منطقوی میگردد بلکه مایه نگرانی جهان نیز هست و انتشار افراط گرایی و جنبش های میگردد که خشونت و تشدد را یگانه راه رسیدن به هدف و بر آورده ساختن مرام های شان برای تاسیس دولت های مطابق به تعبیر های سخت گیرانه که از اسلام دارند، می بینند. اکثریت این سازمانها با سازمانهای دهشت افکن بین المللی مثل القاعده و حالا داعش ارتباط دارند که در تمام جهان مؤتلفینی دارند و روزی نیست که از اعمال دهشت افکنانی این سازمانها در آسیا، اروپا، افریقا و سایر مناطق جهان خبری نشر نگردد. همین سازمانهای افراطی و عقب گرا هستند که منافع جهان را چه سیاسی و چه اقتصادی در منطقه تهدید میکنند.

## **مواد مخدر:**

تولید تریاک و قاچاق مواد مخدر یکی دیگر از عمده ترین نگرانی های کشورهای منطقه و جهان است. افغانستان از چندین سال به اینطرف بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان شناخته شده است و این تریاک از بنادر نفوذ پذیر افغانستان با همسایگان توسط مافیای بین المللی به سایر نقاط جهان قاچاق میشود. تجارت مواد مخدره تولید افغانستان سالانه هشت میلیارد دالر تخمین شده است. تا کنون هیچگونه پلان و طرح کار آمد مشخصی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان گرفته نشده و این ماده مهلک و ویرانگر نه تنها بزرگترین درد سر برای جهان است و یکی از منبع عمده ای طالبان برای عملیات دهشت افکنانه ای شان در افغانستان است. مزید بر آن همین اکنون بیش از دو میلیون معتاد در افغانستان وجود دارد که دولت به هیچ وجه توانائی معالجه آنها و یا مقابله با این مصیبت عظمی را ندارد. نگرانی منطقه و جهان از به خطر افتادن منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی آنها در افغانستان که مشمول اعتقادات، تعلقات قومی و نژادی و زبانی نیز میگردد، از نگرانی های مشروع همسایگان افغانستان و منطقه و جهان است. البته هر یک از این فکتور ها و عوامل میتواند موضوع جداگانه ای برای تحقیق و بررسی ژرف باشد و درین مختصر صرف با تذکر از آنها بسنده میکنیم تا توضیح شده باشد که دوام جنگ، بی امنیتی و بی ثباتی افغانستان یک مشکل تنها مربوط به افغانستان نه بلکه یک مشکل منطقوی و بین المللی است، چون هم کشورهای منطقه، مخصوصاً همسایگان افغانستان، و هم کشورهای جهان، خاصاً هند و عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی و غرب، به شمول ایالات متحده آمریکا و روسیه، منافع و نگرانی ها مشترکاتی دارند و این مشترکات آنها را در حل قضیه افغانستان و نگرانی های که درین زمینه وجود دارد، به نحوی از انحاء، دخیل میسازد. بنا بر آن راهی باید جست و جو گردد تا افغانستان با همین موقعیت ستراتیژیک جغرافیائی که دارد و به حیث یک حلقه اتصال بین دو قسمت آسیا و شرق میانه و حتی دورتر ها شناخته می شود، بتواند هم منافع خود را تامین نماید و هم به نگرانی های این کشور و سایر کشور ها رسیدگی شود تا از بی ثباتی این کشور و منطقه جلوگیری شده و تشویش جهان هم، بعد از این همه سرمایه گذاری های مادی و معنوی، رفع گردد. شکی نیست که نقش و همکاری کشور های منطقه و همکاری و مساعدت های تخنیکی، مالی و پشتیبانی قدرتهای بزرگ، کلید حل این همه معضلات افغانستان و منطقه است.

همه این مشترکات، منافع مشروع، نگرانی های مشروع و درد مشترک، ایجاب میکند تا یک کنفرانس منطقوی تحت نظر ملل متحد و به حمایت پنج عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد، آمریکا، روسیه، چین، برتانیه و فرانسه، و قدرتهای منطقوی برای رسیدگی به این معضله بزرگ منطقوی، و حالا جهانی شدن آن با صدور دهشت افکنی به سایر مناطق جهان، دایر گردد.

## **راه حل احتمالی:**

جای شک نیست که مذاکره با طالبان در کاهش دادن و یا هم ختم جنگ و خونریزی در افغانستان کمک میکند، ولی همانطوری که دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن به شمول ایالات متحده، اعتراف میکنند، بیست گروه دهشت افکن در افغانستان فعالیت دارند، سوالی مطرح می گردد که آیا فقط صلح یک جناح طالبان تضمین کننده صلح در افغانستان هست؟ معاهده صلح با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نشان داد که نه تنها جنگها در افغانستان فروکش نکرد بلکه بر شدت آن افزوده شد که لازم می افتد دلایل آن ریشه یابی شود. بنا بر آن روش و کار بردی باید جست و جو شود که جلو هر گونه اعمال دهشت افکنی و خونریزی در افغانستان و منطقه گرفته شود و رنه فردا گروه دیگری تقویه می شود که مانند گروه طالبان، و حالا داعش، به منافع قدرتهای منطقوی و جهانی استخدام و از گوشه دیگری در افغانستان و یا منطقه، سر بلند خواهد کرد. به گونه ای مثال موجودیت و فعالیت گروه لشکر

فاطمیون به حمایت ایران و نگرانی جنرال مکنزی قوماندان قوماندانی مرکزی ایالات متحده از فعالیت های تخریبی ایران در افغانستان.

با در نظر داشت اوضاع خاص جغرافیائی و ترکیب اجتماعی و فرهنگی، تعلقات مادی و معنوی همسایگان و منطقه و جهان، منافع مشترک و نگرانی های مشترک که در بالا از آن مختصراً تذکر رفت، راه حل معضله افغانستان هم بطور مشترک جست و جو شده میتواند نه افغانستان با موافقتنامه های ستراتیژیک و امنیتی با دوستان منطقوی و بین المللی، و نه هم دوستان افغانستان به تنهایی امنیت، ثبات، بی طرفی، صلح پایدار، ختم جنگ و خونریزی و پیشرفت را در افغانستان و منطقه تضمین کرده خواهند توانست و این دور و تسلسل باطل همچنان ادامه خواهد یافت. لذا تدویر یک کنفرانس تحت نظر ملل متحد به اشتراک پنج عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد، به حیث تضمین کنندگان اجرائی تصامیم این کنفرانس، شش کشور هم سرحد با افغانستان، کشور های عمده منطقه هند و عربستان سعودی، کشورهای عضو ناتو، سازمانهای بین المللی دیگر مثل حقوق بشر، سازمان امنیت و همکاری اروپا، پیمان ناتو و کنفرانس های شانگهای و سارک می تواند متضمن ختم جنگ و خونریزی و جلو گیری از فعالیت های گروه های دهشت افکن و به مخاطره افتادن منافع مشترک افغانستان و جهان گردد. ضرورت دایر نمودن کنفرانس منطقوی با تضمینات بین المللی با طولانی شدن مذاکرات تنها با یکی از گروه های دهشت افکن در افغانستان، نسبت به هر وقت دیگر احساس می شود.

آجندای چنین کنفرانسی می تواند شامل این مواد باشد:

عدم مداخله در امور داخلی افغانستان

شناسائی افغانستان به حیث یک کشور بیطرف در معضلات منطقوی و بین المللی.

قطع کمک های مادی و تمویل گروه های مسلح مخالف افغانستان و سایر گروه های دهشت افکن در پاکستان و منطقه و وارد کردن فشار مؤثر بر پاکستان برای ریشه کن کردن پایگاه های دهشت افکنان و مخالفین حکومت افغانستان در خاک این کشور.

همکاری صادقانه کشورهای ذیدخل در مبارزه با دهشت افکنی و پیشبرد مذاکرات صلح با مالکیت افغانستان، با مخالفین مسلح

حمایت از پلان های حکومت افغانستان و مساعدت های مالی و تخنیکی برای ریشه کن کردن قاچاق مواد مخدر. تعیین یک میکانیزم برای تطبیق تصامیم این کنفرانس با وضع تعزیرات و تحریم های اقتصادی و سیاسی در صورت تخلف کشورهای اشتراک کننده از مصوبات و فیصله های این کنفرانس.

پایان